

یک مقام امنیتی در جنوب شرق افغانستان:

هواپیماها در پکتیا

به طالبان جنگ افزار پابین می‌کند



شکسته

دست رد مجلس

به سینه معصوم ستانکزی



مجلس نمایندگان روز شنبه با اکثریت قاطع رأی رد به معصوم ستانکزی نامزد پیشنهادی وزارت دفاع داد. آقای ستانکزی ۸۴ رأی تأیید گرفت، ولی ۱۰۴ تن از نمایندگان به او رأی رد دادند. در مجموع ۲۱۳ تن از نمایندگان در جلسه عمومی مجلس حضور داشتند و آقای محمد معصوم ستانکزی با گرفتن ۱۰۷ رأی می‌توانست اعتماد پارلمان را به دست آورد و وزیر دفاع افغانستان شود. اما پس از پایان روند رأی دهی عبدالرووف ابراهیمی رییس مجلس نتیجه رأی گیری را این گونه اعلام کرد: « محترم معصوم ستانکزی با کسب ۸۴ رأی تأیید...»

ادامه صفحه ۶

جان مک‌کین:

در مبارزه با افراط‌گرایی افغانستان را همراهی می‌کنیم



جان مک‌کین، رییس کمیته نیروهای مسلح مجلس سنای آمریکا می‌گوید که دهشت‌افگنی تهدیدی علیه تمام کشورهای جهان است و کشورش دوشادوش افغانستان در برابر این پدیده مبارزه می‌کند.

جان مک‌کین روز شنبه در دیداری با رییس جمهور غنی گفت که آمریکا افغانستان را تنها نخواهد گذاشت و همکاری‌های این کشور و به خصوص کانگرس آمریکا با افغانستان ادامه خواهد داشت. در این دیدار که در ارگ ریاست جمهوری صورت گرفت، رییس جمهور از همکاری‌های ایالات متحده سپاس‌گزاری کرده و خواهان دوام همکاری‌های این کشور برای ریشه‌کن کردن افراطیت شد. عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت نیز با این سناتور امریکایی دیدار داشت. در این دیدار رییس اجرایی با اشاره به تهدیدهای افراط‌گرایی گفت که نیروهای امنیتی افغانستان به نمایندگی از تمام جهان با تروریسم می‌جنگند. آقای...
ادامه صفحه ۶

وزیر امور داخله در جلریز:

انتقام شهدای جمعه را می‌گیریم



مناطق این ولایت از وجود دهشت افگنان راه اندازی نموده و زمینه زنده‌گی امن و با ثبات را به مردم فراهم سازند. در همین حال، جنرال قدم شاه شهیم رییس ستاد مشترک ارتش بر تلاش...
ادامه صفحه ۶

نورالحق علومی وزیر امور داخله و جنرال قدم شاه شهیم رییس ستاد مشترک ارتش دیروز به ولسوالی جلریز ولایت میدان وردک رفتند و به مردم این ولسوالی وعده سپردند که انتقام خون شهدای رویداد جمعه را از دهشت‌افگنان خواهند گرفت. براساس خبرنامه وزارت داخله، جنرال علومی در دیدار با والی، فرمانده امنیه، فرماندهان قطعات ارتش در میدان وردک و مردم ولسوالی جلریز ضمن بررسی وضعیت عمومی امنیتی این ولسوالی، به مسوولان امنیتی هدایت داد تا هرچه عاجل در جهت سرکوب دهشت‌افگنان وارد اقدام شده و امنیت ولسوالی جلریز را به گونه کامل و مطمئن تامین نمایند. وزیر امور داخله، در دیدار با مردم جلریز گفت که نیروهای امنیتی کشور انتقام خون شهدای رویداد تروریستی جمعه را از دهشت‌افگنان گرفته و به

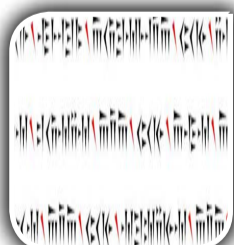
در برگ‌ها



چرایی عدم تشکیل کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی



اخلاق در سایه مدرنیسم



خط چه‌گونه اختراع شد و به‌وجود آمد؟



فعالان مدنی در پیوند به تخفیف جزای متهمان: فیصله دادگاه استیناف ناعادلانه است

احمد عمران

چرا کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی تشکیل نمی‌شود؟



یک بار دیگر فردی را به ریاست کمیسیون نامزد کرده که بازهم از تیم خودش و از افراد مظنون به تقلب‌های گسترده است.

اگر رییس جمهوری از تشکیل کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی هراس ندارد، چرا فردی را در رأس آن نمی‌گمارد که از تیم خودش نباشد؟ آیا در سراسر کشور فردی یافت نمی‌شود که بتوان ریاست کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی را به او سپرد که از افراد نزدیک به آقای غنی نباشد؟

گماشتن افرادی از تیم خود در رأس کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی و مصر بودن بر این موضوع نشان می‌دهد که رییس جمهوری از چیزهایی می‌ترسد و می‌خواهد جلو اتفاق‌هایی را در آینده بگیرد. رییس جمهوری وضعیت فعلی را بر هر گونه اصلاح نظام انتخاباتی ترجیح می‌دهد و می‌خواهد هیچ یک از قوای سه‌گانه کشور از مشروعیت و صلاحیت لازم قانونی برخوردار نباشد.

رییس جمهوری در پی ایجاد بی‌ثباتی در میان نهادهای دولتی است تا ندانم‌کاری‌های او را توجیه کند. اصلاح نظام انتخاباتی را آقای غنی به نفع خود نمی‌بیند و به همین دلیل همواره تلاش کرده است که به گونه‌هایی از تشکیل آن جلوگیری کند. اصلاح نظام انتخاباتی می‌تواند ضمن این‌که مشکلات گذشته را بر ملا سازد، دست‌های ارگ را در انجام تقلب‌های دیگر در انتخابات آینده پارلمانی سد شود.

فراموش نباید کرد که آقای غنی در تلاش است عده‌یی از افراد نزدیک به خود را وارد پارلمان کشور سازد و این افراد در موجودیت مکانیسم‌های دقیق و حساب شده، بدون شک نخواهند توانست به این آرزوی خود برسند. کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی تا زمانی که رییس جمهوری به اساسی‌ترین اهداف خود در این مورد دست پیدا نکند، به کار آغاز نخواهد کرد. او حتی حاضر است بر سر کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی، با رییس اجرایی وارد معامله شود و با باج دادن در بخش‌های دیگر، مدیریت کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی را در اختیار بگیرد.

کمیسیون‌های انتخاباتی هم‌چنان با مسولان فعلی به کار خود ادامه دهند و اگر تغییری در این عرصه وارد می‌شود، سطوح پایینی کمیسیون‌ها را محتوا کند. به گفته بسیاری از آگاهان، رییس‌جمهوری به هیچ صورت نمی‌خواهد کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی دست به چنان تغییرات گسترده‌یی در این نظام بزند که رازهای افشا نشده انتخابات سال گذشته بر ملا شوند.

رییس جمهوری می‌داند که ایجاد کمیسیون غیرجانبدار، برداشتن تیشه و فرو کوفتن آن به ریشه‌های خود است. از جانب دیگر، حتی اگر در رأس این کمیسیون مهره‌های نزدیک به رییس‌جمهوری قرار داشته باشند، نمی‌توانند نسبت به گذشته با بی‌تفاوتی برخورد کنند و یا اصلاً آن را نادیده بگیرند. ایجاد کمیسیون به معنای بررسی وضعیت انتخابات‌های گذشته است که بتواند مشکلات آن را دریابد. هیچ کمیسینی حتی کمیسیون فرمایشی نیز نمی‌تواند چشم خود را به روی تقلب‌های انجام شده در انتخابات سال گذشته ببندد و یا از آن تعریف تازه‌یی ارایه کند.

آقای غنی این موضوع را به‌خوبی دریافته است که ایجاد کمیسیون به نفع او بوده نمی‌تواند. به همین دلیل، تلاش‌های ارگ حالا عمدتاً معطوف به عدم ایجاد کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی است. آقای غنی می‌خواهد فضایی را به وجود آورد که دولت مجبور شود در موجودیت همین کمیسیون‌ها و نظام انتخاباتی، دست به برگزاری انتخابات پارلمانی بزند.

سخنانی هم که هرازگاهی از زبان مقام‌های نزدیک به رییس‌جمهوری در مورد قریب‌الوقوع بودن گشایش کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی شنیده می‌شود، بیشتر مصرف داخلی دارد تا بتواند افکار عمومی را تخدیر کند. حرکت‌هایی را که آقای غنی در جهت تشکیل کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی انجام می‌دهد، بیشتر حرکت‌های بازدارنده و تقابل‌گرایانه است که مانع ایجاد کمیسیون می‌شود. در آخرین مورد گفته می‌شود که رییس‌جمهوری

بسیاری‌ها بر این باورند که ریاست‌جمهوری عزم و اراده لازم برای ایجاد تغییرات در نظام انتخاباتی ندارد و به همین دلیل، کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی در هاله‌یی از ابهام باقی مانده است.

معیاد کار کمیسیون فعلی، عملاً بدون داشتن رییس و برگزاری حتی یک جلسه سپری شد و لازم است که در این مورد رییس‌جمهوری بار دیگر فرمان صادر کند. با وجود این‌که مقام‌های ارشد دولتی می‌گویند کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی به‌زودی به کار خود آغاز می‌کند، اما واقعاً معلوم نیست که مراد از «زود» چه وقت است.

کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی اگر به‌موقع ایجاد شد، باید فوراً پس از تشکیل دولت وحدت ملی نیز به کار خود آغاز می‌کرد تا اصلاحات لازم در نظام انتخاباتی انجام و انتخابات پارلمانی در زمان قانونی آن برگزار می‌شد. رییس‌جمهوری ماه‌ها به چانه‌زنی بر سر نوعیت کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی با رییس اجرایی مشغول بود و بعد از آن‌که مقداری توافق در مورد آن به‌دست آمد، در همان نخستین لحظات، با اقدامی کودتایی زمینه‌فروپاشی آن را فراهم کرد. به این معنا که رییس‌جمهوری لحظاتی پیش از آغاز سفر به امریکا، فردی را به ریاست کمیسیون فرمان داد که به هیچ صورت در موردش توافق صورت نگرفته بود و حتی جزو کسانی نبود که در فهرست‌ها از او نام برده شده بود.

اشرف غنی می‌خواست با فرمان خود عملاً فردی را در رأس کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی قرار دهد که در انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته، یکی از افراد مظنون به تقلب و دامن زدن به فضای ملتهب در سطح جامعه بود. آقای غنی با آوردن این شخص در رأس کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی، می‌خواست به دو هدف اصلی خود دست پیدا کند: نخست، پوشیده نگه داشتن اتفاق‌های زمان انتخابات سال گذشته؛ و دوم، ایجاد اصلاحات ناچیز و غیرموثر در نظام انتخاباتی کشور.

از سوی دیگر، آقای غنی تلاش دارد که

سخن ماندگار

منتظر دومی

معصوم استانکزی، نامزدوزیری که به قول رییس‌جمهور غنی باید وزیر دفاع می‌شد، نتوانست از نمایندگان مجلس رای اعتماد بگیرد. او که از دیری بدین‌سو به عنوان سرپرست وزارت دفاع کار می‌کرد، نه تنها چهره جنجالی و پرحاشیه‌یی برای این سمت بود، بلکه در مأموریت موقتش توفیق و ابتکار چندانی هم از خود به نمایش نگذاشته بود. حملات اخیر دشمنان مردم افغانستان که اکثراً بی‌جواب مانده از جمله حمله تراژیک اخیر به جلریز، همه شاهکارهایی از کارنامه حکومت وحدت ملی و از جمله سرپرست وزارت دفاع آن است.

رای نیاوردن معصوم استانکزی اما بیشتر از آن‌که ریشه در عملکرد او در سرپرستی وزارت دفاع داشته باشد، به کارنامه او در زمان مأموریتش در شورای عالی صلح برمی‌گردد. در زمانی که او رییس دفتر شورای عالی صلح بود، استاد ربانی توسط انتحاری‌یی که به هماهنگی استانکزی فرصت دیدار با او را یافته بود، به شهادت رسید و پس از آن‌هم این پرونده مانند بسیاری از پرونده‌های دیگر سرپوشیده و مبهم باقی ماند.

علت دیگر رای نیاوردن استانکزی، بی‌تجربه‌گی او در امور نظامی بود. او نه به رتبه جنرالی نایل آمده و نه هم تجربه کاری در امور نظامی و جنگی دارد. از این‌رو به اساس اصل تخصص و شایسته‌سالاری هم به نظر نمی‌رسد که او نامزد ایده‌آلی بوده باشد. در دوره سرپرستی‌اش در وزارت دفاع هم چندان عملکرد قابل ستایشی از او به چشم نیامد. اگر وزیر داخله کشور پس از آمدنش با رزم‌جامه پوشیدن و به میدان جنگ رفتن مورد ستایش قرار گرفت و با وجود همه هزینه‌های ممکن اعتراف کرد که دست‌های داخلی در ناامنی‌های شمال است، سرپرست وزارت دفاع چنین جسارت‌هایی از خود نشان نداد.

در طول این مدت علی‌رغم حملات بسیار در نقاط مختلف کشور، چندان صدای بلندی از وزارت دفاع به گوش نمی‌رسید که مایه دلگرمی مردم شود. اگر معصوم استانکزی قرار می‌بود کار خارق‌العاده‌یی از خود به نمایش بگذارد، فرصت کافی و وافی زیادی داشت که هنرنمایی کند. اما او حتا در روز اولی که به مجلس معرفی شد، زمانی که مجلس مورد حمله قرار گرفت، نه تنها ابتکار عملی از خود به نمایش نگذاشت، بلکه در میان حاشیه‌های بسیار حادثه متذکره، هیچ صدایی از او شنیده نشد.

همه این‌ها نشان می‌دهد که متأسفانه آقای استانکزی از همان نخست هم گزینه مناسبی برای وزارت دفاع نبود. ماهیت ارگان‌های امنیتی ایجاب می‌کند که کم‌حاشیه‌ترین افراد ممکن در رأس این نهادها ایفای وظیفه نمایند. معصوم استانکزی اما از سال‌ها پیش دست‌کم به دست داشتن در قتل یکی از رهبران بزرگ جمعیت متهم بوده است و از این بابت فرد پرحاشیه‌یی به شمار می‌رود. گزینش او به عنوان نامزد وزیر وزارت دفاع، از همان نخست هم کار اشتباهی بود. با توجه به وضعیت حاد امنیتی در فضای کنونی، به قطع می‌توان گفت که ما وقت و فرصت زیادی برای آزمون و خطا نداریم. وقتی از دو سر حکومت وحدت ملی یک سر آن با آمدن استانکزی به عنوان نامزد وزارت دفاع به‌شدت مخالفت می‌کند، چی ضرورت است که حتماً رییس‌جمهور غنی بر وزیر شدن او پافشاری و اصرار کند؟ مگر به قول معروف در کشور ما قحط‌الرجال آمده که گزینه‌یی بهتر و مناسب‌تر از معصوم استانکزی در پیش روی رییس‌جمهور نباشد؟

حالا که استانکزی با رای کمی که آورد وزیر دفاع نشد، متأسفانه به نظر می‌رسد که باز هم باید طعم تلخ بروهت امنیتی را تجربه کنیم. با نامزدوزیری استانکزی و رای نیاوردن او، چند ماه فرصت‌سوزی کردیم و این در شرایطی که امنیت برای مردم‌مان از نان شب هم واجب‌تر است، ناامیدکننده است. اگر به‌جای استانکزی امروز فرد کم‌حاشیه‌تر و ملی‌تری معرفی می‌شد، امروز به احتمال زیاد ما وزیر دفاع ملی می‌داشتیم که در همین روزها برنامه‌صندوقه کاری‌اش را به مردم می‌گفت و تا اندازه‌یی امید را در دل‌ها زنده می‌کرد. اما معرفی استانکزی این فرصت را از ما گرفت.

با در نظر گرفتن شرایط حاضر، تنها چیزی که می‌توان از رهبران حکومت وحدت ملی انتظار داشت، معرفی هرچه زودتر یک نامزدوزیر جدید برای وزارت دفاع ملی است. شکی نیست که مهم‌ترین خواست مردم در شرایط کنونی، امنیت است و دست یافتن به امنیت نیازمند مدیران مدبری است که بتوانند چالش‌های امنیتی فرارو را به فرصت بدل کنند. امید می‌رود این بار رییس‌جمهور غنی با تجربه‌یی که از معرفی آقای استانکزی به دست آورد، به دنبال چهره‌های جنجالی و پرحاشیه نگردد و به جای آن بر اصل شایسته‌گی و تخصص تأکید کند.

اگر کسی قرار است به عنوان وزیر دفاع کشور معرفی شود، شکی نیست که بیش از هر چیز باید شخصیتی ملی و همه‌پذیر باشد؛ ورنه در فضایی که هنوز تعریف دوست و دشمن در میان بسیاری از دولت‌مردان ما وجود ندارد، جنگ با هراس‌افکنی در فضای کنونی گاهی به جنگ قومی تنزل می‌یابد و حاصلش آن می‌شود که در جلریز شاهدش بودیم. هرگونه قرائت قومی، سمتی و یا مذهبی از هراس‌افکنی بدون شک پیامدهای ناگوار بسیاری به‌جا خواهد گذاشت و رییس‌جمهور غنی بهتر از هر کس دیگری این بار را درک می‌کند. پس انتظار می‌رود که رییس‌جمهور غنی این‌بار در گزینش و معرفی نامزدوزیر جدید سریع‌تر عمل کند و هم در معیارهای انتخاب او تجدید نظر نماید.

انتقاد تند رهبران هزاره از حادثه جلریز:

باید تحقیق شود



مطرح است، شناسای شود و کسانی که در این زمینه کوتاهی می‌کنند، باید مورد تعقیب قرار بگیرند.

سرور دانش، معاون رییس جمهوری و محمد محقق، معاون ریاست اجرایی در حکومت وحدت ملی هستند و در عین حال از عملکرد نیروهای حکومت انتقاد می‌کنند.

درگیری‌ها از روز پنجشنبه در ولسوالی جلریز در ولایت میدان وردک آغاز شد.

روز جمعه اعلام شد که نیروهای امنیتی در محاصره نیروهای مخالف قرار دارند و چندین پاسگاه آنان به دست نیروهای مخالف افتاده است.

درگیری در ولسوالی جلریز از ساعات نخست روز پنجشنبه با تهاجم گسترده پیکارجویان به پست‌های نیروهای امنیتی افغانستان آغاز شد.

ذکر حسین، معاون والی میدان وردک گفته که حداقل شش پست ارتشی در این ناحیه به دست جنگجویان طالبان افتاده است.

به گفته او، صدها پیکارجو در این منطقه تجمع کرده‌اند.

جلریز در غرب کابل واقع شده و تنها ۶۰ کیلومتر از پایتخت فاصله دارد.

جلریز در ۲۰ کیلومتری ولایت کابل پایتخت نشان دهنده ضعف مدیریتی و اداره دولت وحدت ملی افغانستان و مایه رنج مردم کشور است.

او گفت که خود موضوع محاصره این نیروها را با مقامات ارشد امنیتی افغانستان در میان گذاشته ولی جواب شنیده که اوضاع به حدی وخیم نیست که به آقای خلیلی گزارش داده شده است.

او مدعی شد که سربازانی که در ۲۰۰ متری سربازان گیر مانده در محاصره قرار داشتند، نیز با این موضوع با بی تفاوتی برخورد کردند.

محمد محقق، معاون دوم رییس اجرایی افغانستان نیز گفت که این افراد حدود ۳۰ ساعت «هرچه فریاد کمک سر دادند کسی به آنان لیبک نگفت».

او با اشاره به اینکه در نحوه وقوع این حادثه ابهام جدی وجود دارد گفت: «ما خواستار هیات خواهیم شد، برای بررسی این قضیه و مجرمان آن باید مجازات شوند».

آقای سرور دانش نیز در این مراسم گفت که دولت افغانستان، به خصوص نهادهای امنیتی باید پاسخ‌گویی این حوادث باشند. باید مشکلات، نا هماهنگی‌ها، تاخیر و تعلل که

سرور دانش، معاون دوم رییس جمهوری و محمد محقق، معاون ریاست اجرایی اعلام کردند که باید درباره حادثه ولسوالی جلریز که منجر به کشته شدن ۲۲ سرباز نیروهای امنیتی شد، تحقیق و کسانی که در این زمینه کوتاهی کرده‌اند، مجازات شوند.

آنها در مراسم رسمی تشییع جنازه این سربازان در کابل صحبت می‌کردند.

محمد اشرف غنی، رییس جمهور افغانستان هم بدرفتاری با اجساد نیروهای امنیتی را از سوی گروه مخالف مسلح، محکوم کرده است. گزارش شده بود که پس از کشتن و یا به اسارت گرفتن سربازان در جلریز، آنها را گردن زده یا مثله کرده‌اند.

دیروز اجساد این سربازان که همه از اقوام هزاره بودند، به کابل منتقل و جسد ۱۶ تن آنها به زادگاه آنان در ولایت بامیان منتقل و به خانواده آنها سپرده شد.

در حادثه جلریز ۲۲ سرباز نیروهای امنیتی زمانی کشته شدند که بعد از حدود ۲۴ ساعت محاصره توسط نیروهای مخالف دولت به آنان مهمات و نیروهای کمکی نرسید.

کریم خلیلی، معاون دوم حامد کرزی، رییس جمهوری سابق افغانستان گفت که حادثه

وزارت مالیه: عواید گمرکات دو برابر شده است

وزارت مالیه در خصوص افزایش عواید گمرکات افغانستان ابراز خوشبینی کرد که در شش ماه نخست سال جاری، عواید در حال افزایش است.

اجمل عبدالرحیم‌زی سخنگوی وزارت مالیه گفت: عواید گمرکات افغانستان در شش ماه اول نسبت به سال گذشته، ۶ تا ۷ درصد افزایش یافته است.

سخنگوی وزارت مالیه خاطر نشان کرد: این وزارت در سال ۱۳۹۴ خورشیدی، عواید افغانستان را به بیش از ۱۲۳ میلیارد افغانی تعیین کرده بود که انتظار می‌رود تا آخر سال جاری، این وزارت در جمع آوری گمرکات به هدف تعیین شده دست خواهد یافت.

وزارت مالیه آمار داد که در شش ماه گذشته، عواید گمرک ولایت هرات، بیش از ۱۲ میلیارد افغانی عواید به دست آمده است. از گمرک ولایت فراه بیش از ۳.۵ میلیارد افغانی و از گمرک ولایت نیمروز، بیش از سه میلیارد افغانی عواید جمع آوری شده است.

بر بنیاد این آمارها، عواید در سه گمرک افغانستان نسبت به سال گذشته، دو برابر افزایش یافته است.

در همین حال، وزارت مالیه افغانستان هشدار می‌دهد: هرگاه شرکت های داخلی و خارجی از دادن مالیات فرار کنند، به نهادهای عالی و قضایی معرفی خواهند شد.

مقام‌های وزارت مالیه از تدابیر جدید در راستای مبارزه با فساد در گمرکات افغانستان سخن زده و ابراز امیدواری کردند که با ایجاد سیستم الکترونیکی در این گمرکات، از فساد جلوگیری کرده و باعث افزایش عواید خواهد شد.

این در حالی است که چند روز پیش وزیر مالیه به رسانه‌های خارجی از عدم پرداخت مالیات توسط شرکت‌های خارجی شکایت کرده بود. اکلیل حکیمی وزیر مالیه گفته بود: اگر شرکت‌های امریکایی در افغانستان مالیات پرداخت نکنند به پولیس انترپول شکایت خواهد کرد.



ترکمن‌های جوزجان:

والی جدید را نمی‌خواهیم

صدها تن از شهروندان قوم ترکمن ولایت جوزجان، صبح روز شنبه برای برکنار والی جدید جوزجان در این ولایت راهپیمایی کردند.

این معترضان خواستار بایمراد قوینلی والی پیشین شده اند و می‌گویند که دولت بدون مشوره با مردم، مولوی لطف‌الله عزیز را به صفت والی تعیین کرده است.

راهپیمایان با ترتیب یک قطع‌نامه از حکومت وحدت ملی خواستند تا والی پیشین جوزجان را دوباره به سمتش بگمارد.

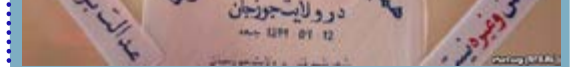
این معترضان می‌گویند که اگر دولت به خواسته آنها توجه نکند شاهراه جوزجان - سرپل را مسدود و به راهپیمایی شان ادامه خواهند داد.

در همین حال بایمراد قوینلی والی پیشین جوزجان به رسانه‌ها گفته که مداخلات بیرونی در برکناری وی نقش داشته است.

او می‌افزاید که حکومت باید به خواست و حقوق قوم ترکمن توجه کند.

پیش از این نیز شماری از باشندگان ولایت‌های بامیان و دایکندی به تقرر طاهر زهیر منیچت والی این ولایت و معصومه مرادی منیچت والی دایکندی، اعتراض کرده و دست به راهپیمایی و تحصن زده بودند.

این راهپیمایی‌ها در حالی برگزار می‌گردد که چندین ولایت افغانستان والی ندارند و از سوی سرپرست‌ها اداره می‌شوند.



نگرانی هند از نفوذ داعش در افغانستان



آژانس‌های اطلاعاتی هند نسبت به گسترش گروه تروریستی داعش در مناطقی از افغانستان و پاکستان و احتمال گسترش آن در هند هشدار می‌دهند.

به گزارش پایگاه خبری بیزینس تایمز، حضور اعضای گروه تروریستی داعش در ولایات فراه و ننگرهار اخیراً افزایش یافته است. در حال حاضر آژانس‌های اطلاعاتی هند به دلیل نزدیکی این ایالات به پاکستان نسبت به گسترش داعش در سراسر این منطقه و روبه‌رو شدن هند با تهدید امنیتی و جدی نگران هستند.

به گفته مقامات ارشد اطلاعاتی هند، نگرانی این کشور نزدیکی ایالت ننگرهار به منطقه خیبر و احتمال ورود داعش به دره ایندوس است. اگر داعش بتواند در افغانستان، پاکستان و آسیای مرکزی گسترش یابد، هند نیز با تهدیدی جدی رو به رو خواهد شد.

این در حالی است که داعش حضور خود را تاکنون در منطقه افغانستان پاکستان ثابت کرده است.

اولین تأییدیه حضور این گروه تروریستی در این منطقه زمانی رخ داد که داعش مسئولیت حمله انتحاری ۱۸ اپریل را که طی آن ۱۵ تن کشته و بسیار زخمی شدند پذیرفت.

خان، یکی از فرماندهان سابق طالبان به ریاست آن منصوب شده است. انتظار می‌رود در پی این پیشروی‌ها، نارندرا مودی، نخست وزیر هند مساله داعش را در دینداری‌های دو جانبه خود با پنج کشور آسیای مرکزی مطرح کند.

نام منطقه افغانستان، پاکستان را «دولت اسلامی خراسان» گذاشته و حافظ سعید

بخش دوم

اخلاق در سایه مدرنیسم

(نوشته‌یی در رابطه با فلسفه اخلاق و سیر اندیشه‌های اخلاقی در عصر مدرن همراه بررسی اجمالی مبانی نظری مدرنیسم)

شاهرخ شهابی

د) بعد روان‌شناختی اعمال بدون توجه به نظریه‌های اخلاقی، انسان از بعد روان‌شناختی در برخورد با پیرامون خود، واکنش‌هایی نشان می‌دهد. این واکنش‌ها یا مثبت هستند و یا منفی و در اصل هیچ واکنش خنثایی وجود ندارد. اگر عملی بر ما اثرگذار باشد، بی‌تردید نسبت به آن واکنش نشان خواهیم داد. واکنشی که خنثا نامیده می‌شود، در اصل موجد یا پاسخ به آن بر ما، نه به طور مستقیم و نه غیر مستقیم اثر نمی‌گذارد که بخواهیم نسبت به آن واکنش نشان دهیم. این پاسخ‌ها بدون هیچ تردیدی تحت تأثیر محیط و عوامل بیرونی می‌باشند. منظور این‌که صرف اعتقاد به نظریه اخلاقی نمی‌تواند تمام مصادیق، قضاوت‌ها و پاسخ‌ها به عمل اخلاقی را جهت دهد. حتی اگر در ظاهر هم تلاش در جهت حرکت در قلمرو باشد، باز در ناخودآگاه فرد تحت تأثیر چیزی فرای تیوری‌های اخلاقی خود است. از این بحث نباید این برداشت شود که حالات متغیر انسانی باعث ایجاد تکثرگرایی اخلاقی می‌شود. غرض بیان این نکته است که در قضاوت اخلاقی و در ورای بحث‌های ایدئولوژیکی، بدون شک انگیزه‌های روانی اثربخشی وجود دارند. شاید انسان در موقعیتی قرار گیرد که از لحاظ احساسی خود را مکلف بداند عملی را انجام دهد، ولی آیا این عمل ناشی از احساسات روانی می‌تواند اخلاقی باشد؟ این مهم هم قابل ذکر است که انسان‌ها درباره احساسات خود دچار تردیدهای اخلاقی نیز می‌شوند. آیا اساساً تکالیف احساسی اخلاقی‌اند؟ در ادامه به بررسی نظریات اخلاقی و سیر تحول اندیشه اخلاقی در عصر مدرن خواهیم پرداخت که خود به پاسخ‌گویی سوالات مطرح‌شده در بالا خواهند پرداخت.

بخش دوم: دوران مدرن، مدرنیسم و اخلاق مدرنیسم
به اعتقاد بسیاری از متفکرین، مدرنیسم

دورانی تاریخی است که پس از رنسانس فرهنگی در اروپا و پس از قرون میانی آغاز شد. البته برخی نیز آن را هم‌زمان با آغاز انقلاب صنعتی فرانسه و عده‌یی نیز آن را هم‌عصر با آغاز فعالیت نظام سرمایه‌داری و بازار آزاد دانسته‌اند. به طور کلی، نشانه‌های عصر مدرن عبارت‌اند از:

- ۱- رشد شهرنشینی
- ۲- گسترش علوم
- ۳- پدید آمدن نهادهای اجتماعی، سیاسی و آموزشی جدید
- ۴- پیدایش قلمرو همه‌گانی برای بحث و گفت‌وگو
- ۵- از میان رفتن تدریجی نظام‌های نسبی
- ۶- جدایی مذهب از سیاست
- ۷- حضور مردم در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی
- ۸- ظهور نظام‌های قانونی و حقوقی با تکیه بر حقوق فردی یکسان
- ۹- گسترش نظام‌های مردم‌سالار و بروکرات.

می‌توان اظهار کرد مدرنیسم ویژه‌گی تاریخی است که کم‌وبیش از قرن ۱۶ میلادی در اروپا آغاز و تا عصر ما ادامه یافته است. (حقیقی، شاهرخ، ۱۳۷۹)

دوران مدرن با سه جنبش (ایده‌های سه‌گانه) و ایده بزرگ و نسبتاً موفق (و نه لزوماً صحیح) شناخته می‌شود:

۱- **ایده خردگرایی، عقل‌گرایی و یا راسیونالیسم (Rationalism):** اعتقاد بر این‌که هر امری در مورد حقایق اساسی عالم را می‌توان به وسیله عقل بشری تبیین نمود و هر پدیده را می‌توان به وسیله عقل و گزاره‌های عقلی به دور از هر اندیشه وحیانی و ما بعد طبیعی‌یی تفسیر نمود.

۲- **ایده علم‌گرایی، دانش‌گرایی، اثبات‌گرایی علمی**
پوزیتیویسم (Positivism): اندیشه‌یی است که تنها نوع معتبر تفکر را مبتنی بر روش علمی می‌داند و معتقد است شناخت در جهان صرفاً محدود به تجربه حسی است و به گفته راسل، اگر نتوان از چیزی آگاهی تجربی به دست آورد، هیچ آگاهی نمی‌توان از آن به دست آورد.

۳- **ایده جدایی دین از سیاست یا سکولاریسم (Secularism):** به صورت کلی، سکولاریسم تفکری است معتقد به جلوگیری از دخالت دین و امور کلی مذهبی در سطح وسیع جامعه و در اداره آن. و در اصل، تبیین نوعی روش زنده‌گی و مجموعه‌یی از ارزش‌هاست که مدعی می‌شود دنیا را با دلیل و منطق بهتر می‌توان تفسیر نمود تا با مفاهیمی چون ماورای طبیعت، دین، خدا و ...

این سه اندیشه، ارتباط معناداری با یکدیگر دارند. به طوری که می‌توان عقل‌گرایی را پایه اصلی تفکر پوزیتیویستی دانست و سکولاریسم را نتیجه و حاصل منطقی دو تفکر راسیونالیستی و پوزیتیویستی. اعتقاد به محوریت خرد، باعث اعتماد به دانش بشری از هر نوع آن نتیجه‌یی جز ظهور عقل‌گرایی علمی در بر نداشت. به تعبیر عبدالکریم سروش، به علم نوعی قداست داده شد. هر چیزی که بر آن برچسب علمی زده می‌شد، منطقی، عقلی، صحیح و قابل قبول بود و علمی بودن هم‌تراز با درست بودن و حقیقی بودن به‌کار می‌رفت.

از مقدمات بالا چنین بر می‌آید که مدرنیسم آغازگر تفکراتی بود در باب نگرش علمی - عقلانی به دنیا و به دور از هر گونه خرافه‌پرستی و مذهبی‌گری. در واقع اندیشه مدرن به قول لیوتار دایه «روایت بزرگ» و به قول اریک فروم «وعده بزرگ پیشرفت نامحدود» را داشت و برای تحقق آن، به دنبال تجویز نظام‌های جهان‌گستر، تبیین دستگاه‌های فکری عظیم، اعمال واحد و وظایف یکسان برای همه انسان‌ها بود. پیامد این دیدگاه و هدف، فردی شدن دین، فردباوری و خودپرستی، خودمدارانگاری، گرایش به شالوده‌باوری و مالکیت فردی افراطی بوده است. در این دوران، یکی از بزرگ‌ترین واضعان و مدافعان اخلاق، یعنی دین و تفکر دینی به‌نسبه از اعتبار افتاد و به دنبال آن، اخلاق دینی مورد هجوم قرار گرفت و دستگاه‌های فراگیر فلسفی و عمدتاً الحادی، در مقام مرجع نهایی مشروعیت به اعتبار رسیدند.

بخش یازدهم

کارنامه مسعود



عبدالحفیظ منصور

صوفی نعیم و غلام مصطفی در کوه پیاوشت هدف گلوله مردم قرار گرفتند؛ اولی، زخمی و دومی، جابه‌جا شهید گردید. جسد ایشان را مردم کشان‌کشان از کوه‌ها پایین کردند تا این‌که اولی نیز به شهادت رسید.

گویند صوفی نعیم، از فرط تشنه‌گی در حالی که زخمی بود از مردم می‌خواست به وی آب دهند، اما کسی به وی اعتنا نمی‌کرد و به جای آن، ریش انبوه و زیبایش را آتش زدند. (۱)

شیرمحمد و محمدعثمان دین‌پرور به طرز مشابهی در علاقه‌داری حصه دوم شهید شدند و جسد‌های‌شان توسط هلیکوپتر به کابل منتقل گردید. بالاخره از میان این دسته، هشت تن شهید و نه تن دیگر توسط مردم دستگیر و بقیه در مغاره‌های کوه پنهان شده و مدتی بعد راهی پاکستان گردیدند.

ساعت ۲ بعدازظهر همان روز، چهار هلیکوپتر دولت داوودخان که حامل افراد قطعه کماندو بودند، به رهنمایی جگرن محمد قاسم (از قریه قابضان) در زمین‌های قریه «خواجه» به زمین نشستند و فردای آن روز وزیر دفاع رژیم با تعدادی قوای دیگر وارد پنجشیر گردیدند و فعالیت دولت در منطقه از سر گرفته شد و به دستگیری کسانی که با مجاهدین همکاری کرده بودند، پرداخت. برای دستگیری وکیل عبدالقیوم از سفیدچهر که دو پسرش در این قیام شرکت داشتند و خود نیز مویدشان بود، دولت چند بار با اعزام نیرو تلاش به خرج داد، اما سودی نبخشید.

دولت داوود خان به کسانی که مجاهدی را شهید و یا دستگیر و تحویل دولت داده بودند، چند جریب زمین در کوهستان شمالی بخشید و مورد نوازش‌شان قرار داد.

اسامی قیام‌گران

کسانی که در این قیام سهیم بودند، عبارت‌اند از:

۱. صوفی محمد نعیم، که در کوه پیاوشت شهید شد.
۲. حفیظ‌الله افضلی برادر قوماندان صفی‌الله شهید از هرات که در «لغانه اورنگ» از ناحیه چشم، زخمی و در زندان دهمزنگ شهید شد.
۳. غلام مصطفی از اندراب که در کوه پیاوشت شهید شد.
۴. میر غلام رسول از خوست فرنگ که در علاقه‌داری حصه اول شهید شد.
۵. محمد نسیم که در علاقه‌داری حصه اول شهید شد.
۶. شیرمحمد از بدخشان که در «راه تنگ» شهید شد.
۷. محمد عثمان دین‌پرور از هرات که شهید شد.
۸. استاد گل محمد از وردک که شهید شد.
۹. محمد ولی از قریه فروبل پنجشیر که در پیاوشت دستگیر شد.
۱۰. انجنیر شفیق‌الله از قریه پیاوشت که در پیاوشت دستگیر شد.
۱۱. شاه ابدال از قریه پشغور که در رحمان‌خیل بازارک دستگیر شد.
۱۲. محمد نعیم ولد وکیل عبدالقیوم از قریه سفیدچهر که در رحمان‌خیل بازارک دستگیر شد.
۱۳. احمدجان ولد وکیل عبدالقیوم از قریه سفیدچهر که در رحمان‌خیل بازارک دستگیر شد.
۱۴. محمودشاه از قریه سنگیانه که در رحمان‌خیل بازارک دستگیر شد.
۱۵. عبدالستار مشهور به مستوفی از جبل‌السراج که در راه تنگ دستگیر شد.
۱۶. خواجه محفوظ منصور که از شکرده دستگیر شد.
۱۷. احمدشاه «مسعود» از قریه جنگلک پنجشیر.
۱۸. انجنیر محمد اسحاق مشهور به حبیب‌الرحمن از قریه شیخان پنجشیر.
۱۹. کفایت‌الله (برادر انجنیر اسحاق) مشهور به مصطفی از قریه شیخان پنجشیر، که در سال ۱۳۵۸ بر اثر انفجار ماین در پنجشیر شهید شد.
۲۰. محمد نادر از جرم بدخشان.
۲۱. صفرمحمد شیون از جرم بدخشان در فعالیت‌های ضد کمونیستی سال ۱۳۵۷ شهید گردید.
۲۲. داکتر عبداللطیف تخاری مشهور به نصرالله.
۲۳. دکور عبدالقادر از بگرام.
۲۴. امان‌الله مشهور به نصیر از بگرام.
۲۵. محمد احسان مشهور به ملنگ از دشت ریوت پنجشیر.
۲۶. غلام محمد خان از پلخمری.
۲۷. محمد عمر مشهور به عارف‌خان از قریه سنگیانه پنجشیر که در قیام چنداول (۱۳۵۸) شهید شد.
۲۸. محمد نسیم پسرکاکای محمد عمر.
۲۹. محمد عظیم خان از بهارک پنجشیر که چند روز بعدتر از قیام دستگیر شد.
۳۰. محمد اصغر پسر محمد عظیم از بهارک پنجشیر.
۳۱. ملک خان از بهارک پنجشیر.
۳۲. محمد نسیم مشهور به طارق مسلم‌یار از کابل.
۳۳. عبدالحمید سالک از هرات.
۳۴. غلام‌حیدر از خاواک پنجشیر.
۳۵. عبدالعزیز مراد از بولغین - کاپیسا.
۳۶. محمد نعیم از قریه خواجه پنجشیر که مفقودالثر شد.
۳۷. مدیر محمد عالم از چهارآسیاب کابل. (۲)





خط چه گونه اختراع شد

و به وجود آمد؟

گردآورنده: بهروز سروش‌نیا

بخش نخست

افلاطون می‌گوید: خط عقالم (بند) عقل است. اقلیدوس گوید: خط هندسه‌ی است روحانی اگرچه به ابزار جسمانی ظاهر شده است. بودلف گوید: خط بوستان دانش است. ویل دورانت در تاریخ تمدن خود می‌نویسد: مهم‌ترین گامی که انسان به سوی مدنیت برداشت، همانا اختراع خط است. بزرگ‌ترین و شاید تنها عامل انتقال و گسترش فرهنگ و تمدن بشری از نسلی به نسل دیگر، خط الفبایی بوده است. در فرهنگ پارسی، خط پدیدیهی دیوی است و هنری است که تهمورث (ملقب به زیناوند به معنی هوشیار) آشنایی و آگاهی با آن را از دیوانی که به بند کشیده، به‌دست می‌آورد و در ازای به‌دست آوردن این دانش، آن‌ها را رها می‌کند. در متن مینوی خرد آمده است: تهمورث دیوان را اسیر خود کرد و هفت نوع خط را از آنان آموخت. بیشتر تواریخ اختراع خط را به تهمورث نسبت می‌دهند، اما در برخی روایات به جمشید و کیومرث و ضحاک نیز نسبت داده‌اند. به نظر آرتور کریستن سن، ایران‌شناس دانمارکی، نام تهمورث، نامی از نژاد سکایی است. به این ترتیب، انتساب فن نویسنده‌گی به تهمورث باید از قدمت بیشتری برخوردار باشد، احتمالاً سکاییان در مهاجرت‌های خود به مردمانی برخورد کرده‌اند و فن نویسنده‌گی را از آنان آموختند و بعد در اساطیر ایران این موضوع به ستیز تهمورث با دیوان نسبت داده شد. داستان خط به زبان فردوسی در شاهنامه چنین است:

چو تهمورث آگه شد از کارشان
برآشفت و بشکست بازشان
یکایک بیارست با دیو جنگ
نبود جنگ را فراوان درنگ
کشیدندشان خسته و بسته خوار
به جان خواستند آن زمان زیهار
که ما را مکش تا یکی نو هنر
بیاموزی از ما کت آید به بر
کی نامور دادشان زین
بدان تا نهانی کنند آشکار
نیشتن به خسرو بیاموختند
دلش را به دانش برافروختند
نیشتن یکی نه که نزدیک سی
چه رومی چه تازی و چه پارسی
چه سغدی چه چینی و چه پهلوی
نگاریدن آن کجا بشنوی
جهان‌دار سی سال از این پیشتر
چه‌گونه پدید آوردی هنر

سومریان روایت می‌کنند که المکر، پادشاه دولت‌شهر اوروک (موطن گیلگمش) و به قولی بنیانگذار آن، که می‌خواست بر فرمانروایی شهر آباد و ثروتمند ارته پیروز شود، باعث اختراع خط شد. المکر سه بار فرستاده‌ی با عصای پادشاهی و نماد قدرت نزد شاه ارته می‌فرستد. شاه ارته آگاه است که اگر عصا را به‌دست گیرد، شکست را پذیرفته است. المکر چهارمین بار با حیلۀ خط اختراع می‌کند و بر لوحه‌ی گلی با خط فرمانی می‌نویسد و نزد ارته می‌فرستد، وقتی شاه ارته برای خواندن پیام مجبور می‌شود آن را در دست بگیرد، به مفهوم پذیرش فرمانروایی المکر محسوب می‌شود. هنگامی که بشر خواست آن‌چه را که در اندیشه‌ی خود دارد نقش نماید، در

درست است و ملل آریایی به ویژه در هند، شاید پیش از فنیقیان خط‌هایی دیگر اختراع کرده‌اند که از سلسله خطوط سامی مآخوذ از خط فنیقی نیست. الفبای خط فنیقی به نوعی شبه‌قاره‌ی هند را در نوردیده است. دانشمندان، خط برهمایی هند را از فرزندان همین خط می‌دانند که زبان سانسکریت و دیگر زبان‌های هندی با آن نوشته می‌شود. متون دینی بودایی نیز به خط برهمایی نوشته شده است.

یکی دیگر از فرزندان خط فنیقی، خط آرامی است که به سرعت در خاورمیانه پخش شده است و به سرعت رواج یافته و تبدیل به خط ساکنان این منطقه شده است. خط و زبان آرامی به عنوان آرامی رسمی یا آرامی امپراتوری یا به پای زبان پارسی باستان و خط میخی که تنها در کتیبه‌های هخامنشیان به کار می‌رفت، در ارسال و مراسلات به کار گرفته می‌شده است.

قدیمی‌ترین اقوامی که در بین‌النهرین زمینه خط میخی را حدود پنج‌هزارسال پیش فراهم آوردند، سومری‌ها هستند؛ قومی متمدن که نژاد سامی نداشتند و برخی احتمال می‌دهند که از کنار دریا به این منطقه مهاجرت کرده باشند. سومری‌ها چون پیوندی با همسایه‌گان خود نداشتند، از میان رفتند و یا جذب اقوام سامی شدند. سومری‌ها چون مصری‌ها و چینی‌ها از نخستین اقوامی هستند که تمایل به ضبط گفتار و اندیشه‌های‌شان داشتند و برای این کار، خط میخی را برگزیدند. خط میخی آغازین در اصل نوعی خط تصویرنگاری بوده که آن را بر لوح نقش می‌کرده‌اند. تصویرها رفته رفته حالت ساده‌تر و زاویه‌مانندی به خود گرفتند و سرانجام علامت‌های تشکیل‌دهنده این خط به شکل میخ درآمدند.

به جز تفاوت ظاهری خط هیروگلیف و خط میخی، تفاوت آشکار دیگر آن‌ها در ابزار نوشتن است. برای نگارش خط هیروگلیف از پاپیروس و قلم نی و مرکب استفاده می‌شد، در حالی که برای نوشتن خط میخی نیاز به لوح گلی نرمی بود که با قلم چوبی بر آن می‌نگاشتند و سپس لوح را می‌پختند. خط میخی سومری و خط میخی اکدی (بابلی) از خط میخی عیلامی منشعب شده است. خط میخی به جز در منطقه بین‌النهرین در گستره وسیعی مانند آسیای صغیر و بین‌النهرین شمالی، میان هیتی‌ها، هوری‌ها، اوروارتورها، لولوبیها، کاسی‌ها و ... رواج داشته است.

بنا بر نظر دانشمندان خط‌شناس، پیدایش خط، نخست از علایم و نقوش آغاز گردیده، این نقاشی‌ها کم‌وبیش تقلید صادقانه‌ی از زنده‌گانی‌یی که هنرمند در اطراف خود می‌دید و آن را روی ظروف سفالین خویش منقش می‌کرد، بوده و پشت این رموز و نشانه‌های بسیار و متنوع دیگر، به بیان مطالبی نهفته می‌پرداخته است و مهره‌های استوانه‌یی و غیراستوانه‌یی را با حکاکی نقوش و علایم برای مهر کردن سر کوزه‌ها و خمره‌ها و سبدهای اجناس و یا لوازم و دارایی خود به منظور معرفی و حفظ مالکیت به کار می‌برده‌اند و به مرور زمان و گذشت دوران، این علایم و نقوش مختصر شده و علایم به‌جای حروف به کار رفته است.

گفته می‌شود خط میخی را نخست برای زبان‌های بین‌النهرین یعنی عیلامی، بابلی و آشوری به کار برده‌اند و چون عیلامیان در خوزستان امروز می‌زیسته‌اند و همسایه پارسیان بوده‌اند، مردم پارس یا پیش از تشکیل حکومت هخامنشی و یا در آغاز این دوره، این خط را برای زبان پارسی باستان هم پذیرفته‌اند و می‌توان حدس زد که مادها نیز خود آن را اختیار کرده باشند؛ زیرا که ایشان نیز با آشوریان و بابلیان همسایه بوده‌اند.

خط میخی پارسی باستان کتیبه‌های دوره هخامنشی که نسبت به خط میخی بابلی و عیلامی، علایم ساده‌تر و کم‌تری دارد، حروف هجایی هستند (یعنی مصوت به همراه صامت). خط میخی پارسی باستان را می‌توان صورت تکامل‌یافته خطوط میخی دیگر بدانیم، همزمان با تکامل تدریجی خطوط میخی و در هزاره دوم پیش از میلاد خط دیگری در سرزمین فنیقه پا به عرصه وجود می‌گذارد و آن خط فنیقی است. قدیمی‌ترین نمونه این خط در کاوش‌های شهر گوپله از شهرهای فنیقی باستان (حوالی سوریه کنونی) که یونانیان آن را بیبلوس می‌نامیدند، به‌دست آمده است. این شهر در میان یونانیان به عنوان داشتن پاپیروس شهرت داشته و مرکز بازرگانی مصریان و یونانیان بود.

داریوش بزرگ در سنگ‌نوشته بیستون (بغستان) بند بیست از ستون چهارم، به زبان پارسی باستان گفته است: به خواست اهورامزدا این خط من است که من کردم. به جز این، به زبان و خط آریایی، هم روی لوح و هم روی چرم نوشته شده. جز آن، پیکر خود را هم بساختم. و جز آن، تبارنامه خود را نوشتم. در پیش من این نوشته خوانده شد. پس از آن، من این نوشته‌ها را همه‌جا در میان کشورها فرستادم.

کتیبه دیگری در جزیره الفیل مصر یافت شده که رونوشت کتیبه بیستون است، به استناد این این دو سند، داریوش بزرگ خط استفاده شده در این دو کتیبه را خط آریایی خوانده است.

همان‌طور که گفته شد، قدیمی‌ترین اسناد، از دوره هخامنشیان به خط میخی است. این خط مرکب از خطوط افقی و مورب است، به شکل میخ که برای هر حرف یا مخرج چند خط افقی و عمودی و مورب ترکیب می‌شوند. اکدیان، آشوریان، کلدانیان، عیلامیان، هیتی‌ها، پارسیان و ارمنیان این خط را برای نوشتن خود اختیار کردند. در خطوط میخی ملل دیگر نیز چند نقش از هشت‌صد تا سه‌هزار علامت به‌کار می‌رفته است که الفبای پارسی باستان شامل ۳۶ حرف، ۲ واژه جداکن، ۸ علامت اندیشه‌نگار و نشانه‌هایی هم برای نشان دادن اعداد بوده که تنها برخی از آن‌ها به جای مانده است. هر یک از حرف‌های الفبای میخی به‌جز سه حرفی که برای نشان دادن مصوت‌ها به‌کار می‌رود - مصوتی هم همراه دارد - به همین علت الفبایی هجایی است. الفبای پارسی باستان از چپ به راست نوشته و پس از هر حرف، نقطه گذاشته می‌شود. این الفبا تا پایان حکومت هخامنشی رایج بوده و بعدها فراموش شده است. در اوایل قرن نوزدهم میلادی، دانشمندان غربی موفق به خواندن این الفبا شده، از این راه الفباها و زبان‌های دیگر کشف گردیده است، این خط تا پایان دوره هخامنشی در کتیبه‌ها و سکه‌ها به کار رفته است.

واقع زمانی است که گام نخست را به عرصه نگارش گذاشت و به کمک آن توانست دانسته‌های خود را محفوظ نگه‌داشته و تاریخی از خود به جای بگذارد؛ گام نهادن در مسیر طولانی که در آن انسان‌های نخستین ابزاری برای انتقال بیان شفاهی بدون دیدن یکدیگر آغاز کردند. نخستین گام نوشتن، تصاویر روی سفال‌ها بود.

فراوانی تصویرها و ناتوانی آن‌ها در بیان مفاهیم عاطفی، کمبود این سبک نوشتن بود. رفته رفته تصویرها شکل ساده‌تر و نمادین‌تری یافته و برای مفاهیم عاطفی، علایم قراردادی وضع شد و نوع خط اندیشه‌نگار را در دسترس نگارنده‌گان قرار داد که خط هیروگلیف که بیشتر در مصر رایج بود، از این‌گونه نگارش است. سابقه خط هیروگلیف را حدود چهارهزار سال پیش از میلاد دانسته‌اند. این خط بیشتر افقی و از راست به چپ و به‌ندرت از چپ به راست و گاهی از بالا به پایین نوشته شده است. بعدها خط هیروگلیف در مصر تحول یافته و به ساده‌گی می‌گراید و دو نوع خط هیراتیک (دینی) و دموتی (مردمی) از آن به وجود می‌آید. مرحله بعدی خط، خط میخی است.

کشاورزان مصری مکلف بودند سبدهایی از تولیدات محصول خود را به ماموران مالیاتی تحویل دهند، برای این تصویر آن را بر دیوار کلبه خود می‌کشیدند و کنار آن به تعداد سبدهایی که تحویل داده بودند، علامت می‌گذاشتند. پس نخستین طرز نوشتن، نوشتن با عکس (شکل‌نگاری) بود، اما ترسیم یک اندیشه یا تصور و یا گذراندن زمان (مفهوم‌نگاری) به نظر دشوار می‌نمود تا این‌که به جای تصویر و علامت از نشانه‌های قراردادی استفاده کردند و به کمک این نشانه‌ها، کلمات یا اصوات را که از آن‌ها کلمه ساخته می‌شد، نمایش می‌دادند و بدین ترتیب حروف مصور تبدیل به حروف هجایی شد. خطوط بابلی، سومری، عیلامی مخلوطی از این خطوط ایدئوگرام و هجایی بوده‌اند. خط الفبایی آخرین مرحله تکامل خطوط به شمار می‌رود، یکی از خطوط الفبایی قدیم، خط میخی پارسی است که مخلوطی از خطوط الفبایی و هجایی بوده است.

بیشتر دانشمندان، اختراع خط الفبایی را به فنیقی‌ها، مردمی از کنعان، نسبت داده‌اند که در خاک سوریه در کرانه دریای مدیترانه سکنا داشته و ضمن بازرگانی و دریانوردی و سوداگری‌های خود، خط الفبایی را که خود وضع کرده بودند، در کشورهای مختلف رواج داده‌اند. منشای خط الفبایی یونانیان و سایر اقوام دنیا به غیر از خط چینی که دارای منشای دیگری است، از همین خط الفبایی اختراع فنیقی‌ها می‌دانند و معتقدند این خط پس از دگرگونی و جرح و تعدیل رو به کمال نهاده است.س الفبای فنیقی با ۲۲ علامت خطی که تنها صامت‌ها را نشان می‌دهد، از راست به چپ نوشته می‌شد. به گفته خط‌شناسان، نشانه‌هایی از خط مصری باستان و خط تصویری را در الفبای فنیقی می‌توان یافت. این خط بر خلاف خط هیروگلیف که در انحصار کاهنان بود و یا خط میخی که تنها طبقه دبیران با آن سر و کار داشتند، به راحتی در دسترس عامه قرار گرفت و چون یاد گرفتن آن آسان بود، این خط در آسیای غربی نفوذ یافت و جایگزین خط میخی شد و به غرب (اروپای امروز) که هنوز دارای خط و کتابت نبود، راه یافت.

یونانیان این الفبا را با اسم سامی آن که نماینده دو حرف اول آن بود، «آلفا» و «بتا» نامیدند و برای استفاده خود تغییراتی در آن دادند و مصوت‌ها را داخل خط ساختند و خط صامت‌نگار را تبدیل به آوانگار کردند و جهت نگارش را تغییر دادند و گونه‌یی از خط یونانی را یونانیان مهاجر با خود به روم بردند و در آن‌جا براین مبنا الفبای لاتینی به وجود آمد و زبان‌های گوناگون اروپا بدان خط نوشته شد.

معمولاً واضح خط را فنیقیان می‌دانند، اما این نکته تنها درباره ملل سامی

یک مقام امنیتی در جنوب شرق افغانستان:

هواپیماها در پکتیا به طالبان جنگ افزار پائین می کند

یک مقام بلندپایه امنیتی در جنوب شرق کشور می گوید که از چندین بدین سو، هواپیماها با پرواز از آن سوی مرز، در جبهه جنگ به طالبان سلاح و مهمات پائین می کند.

این مقام امنیتی که نخواست نامش فاش شود، روز گذشته در تماس به روزنامه ماندگار گفت: هنگامی که طالبان شکست می خورند، هواپیماها با نشست در صفوف نبرد، از این گروه پشتیبانی لوژیستیکی و تسلیحاتی می کند.

این مقام امنیتی گفت: «به تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۱۲ سال جاری، چندین طیاره سه مرتبه از استقامت پاره چنار پاکستان در مربوطات ولسوالی های حکمکنی و جانی خیل ولایت پکتیا نشست کرده اند و به طالبان سلاح و مهمات پائین کرده اند.»

منبع همچنان افزود: «به تاریخ ۹ سرطان و در شب جمعه ساعت ۱۱:۳۰ چند بال طیاره یک مقدار

محموله را از هوا در مربوطات ولسوالی جانی خیل پرتاب کرده است. هم چنان روز جمعه (۱۲ سرطان) این طیاره ها از استقامت پاره چنار پاکستان پرواز نمود و در ولسوالی جانی خیل نشست کرده است.» او گفت: این چیزی است که عملاً نیروهای امنیتی مشاهده می کنند.

این مقام بلندپایه امنیتی در جنوب شرق گفت که این طیاره ها از چندین بدین سو از عقب طالبان را حمایت لوژیستیکی و تسلیحاتی می کنند.

به گفته او، هنگامی که طالبان شکست می خورند، چند بال طیاره از عقب به حمایت آنان پیدا می شود.

این مقام امنیتی که از خط مقدم جبهه صحبت می کرد، گفت: گروه طالبان در جنگ های بهاری در زون جنوب و شرق شکست خورده اند و اکنون می خواهند با حمایت آی آس آی و نظامیان پاکستان برای تلافی شکست خویش، ولسوالی های هشت گانه ولایت

دست رد مجلس به سینه...

نتوانست مورد تایید ولسی جرگه قرار بگیرد. به این اساس از رییس جمهور افغانستان خواهش می کنیم که کس دیگری را به عنوان کاندید وزیر وزارت دفاع به ولسی جرگه معرفی بدارند.

معصوم ستانکزی نامزد وزارت دفاع افغانستان پیش از آغاز روند رای اعتماد گفت که جنگ بر افغانستان تحمیل شده است. او گفت تلاش ها برای پایان جنگ نتیجه ندهد و دشمنان افغانستان وارد فصل جدید جنگ شده اند.

ستانکزی گفت: «اکنون معلوم گردیده است که ادامه خشونت از طرف مخالفین برسر قدرت است که همیشه از آن انکار کرده اند و به خاطر قدرت و متاع دنیا مردم خود را به بدبختی می کشانند. نیروهای امنیتی به حیث یک حق مشروع حق دارند که از کشور خود دفاع کنند. این جنگ بر افغانستان تحمیل گردیده است.»

به باور ستانکزی یکی از دلایل اصلی افزایش جنگ و خشونت در افغانستان جنگ در وزیرستان شمالی بوده، زیرا صدها تن از تروریستان خارجی از وزیرستان به روستاهای افغانستان سرازیر شده و به ناامنی در افغانستان کمک کرده اند.

پیش از خروج نیروهای خارجی، طالبان همواره حضور خارجی ها را دلیل جنگ در افغانستان عنوان می کردند، اما حالا که این نیروها از افغانستان خارج شده اند، جنگ تشدید شده است و ولایات بیشتری شاهد خشونت های ناشی از حملات طالبان اند.

آقای ستانکزی گفت: «چه توجیهی وجود دارد که اتباع کشورهای دیگر برای جنگ به قریه های کشور آورده می شود و باز ادعای خروج نیروهای خارجی را دلیل برای آوردن صلح می دانند. همه باید در این باره عمیق بیندیشیم که چرا باز هم جنگ در قریه های افغانستان ادامه پیدا می کند.»

به باور آقای ستانکزی جنگ افغانستان جنگ بین افغان ها نیست بلکه این جنگ نتیجه رقابت های منطقه ای و جهانی است. او گفت که شماری از مردم افغانستان ناخواسته و ندانسته برای اهداف دیگران کشورشان را ویران می کنند.

ستانکزی تاکید کرد که جنگ را از طریق یک اجماع سیاسی از قریه های افغانستان بیرون می کند. او گفت که تروریستان کشورهای مختلف برای جنگ وارد افغانستان شده اند: «شبکه های تروریستی که مربوط کشورهای آسیای مرکزی، چین، پاکستان و کشورهای عربی و غیره می شوند، همه وارد افغانستان شده و علیه افغان ها جنگ می کنند.»

نامزد وزارت دفاع افغانستان گفت که یکی از مهم ترین اولویت های افزایش ظرفیت نیروهای اردوی ملی است. او تاکید کرد که برای تقویت قوای هوایی افغانستان تلاش می کند.

به این ترتیب وزارت دفاع افغانستان هنوز هم باید از سوی یک سرپرست اداره شود.

پس از معرفی معصوم ستانکزی به وزارت دفاع واکنش های زیادی ایجاد شد. عطا محمد نور والی بلخ او را قاتل استاد ربانی رهبر فقید جمعیت و سزاوار اعدام خواند.

در شبکه های اجتماعی از این گزینه اشرف غنی به شدت انتقاد می شد.

انتقام شهدای جمعه...

جدی و مشترک نیروهای امنیتی در امر تامین امنیت و سرکوب دهشت افگنان در این ولایت تاکید نموده و بر مسوولان اردوی ملی در ولایت میدان وردک دستور داد تا در همکاری و هماهنگی با سایر نیروهای امنیتی، عملیات های ضد تروریستی را برنامه ریزی و اجرا نموده و به نگرانی های امنیتی مردم پایان دهند.

جنرال شهیم، با اشاره به اعزام نیروهای کمکی به ولسوالی جلریز، گفت که عملیات پاکسازی این ولسوالی از وجود هراس افگنان با شدت و جدیت هرچه تمام جریان دارد و نیروهای امنیتی مستقر در این ولسوالی از تمامی امکانات لازم برای سرکوب دهشت افگنان برخوردار هستند و دشمن اجازه نخواهد یافت که امنیت مردم را به مخاطره روبرو نماید.

در جریان حمله طالبان به ولسوالی جلریز میدان وردک، دست کم ۳۰ تن از سربازان ارتش پس از ۲۴ ساعت مقاومت کشته شدند.

آنان با تماس های پی هم به مسوولان امنیتی در کابل خواستار کمک و همکاری شده بودند، اما به صدای آنان هیچ کسی پاسخ ندهد است. بی تفاوتی مقام های امنیتی به فریادهای سربازان در خطوط جبهه، شک و تردیدهایی را به وجود آورده است. رهبران هزاره دیروز گفتند که این حادثه برای آنان مشکوک است.

تمامی کشته های این رویداد هزاره ها بودند. برخی نماینده گان مجلس ادعا کرده اند که سربازان پشتون از سوی طالبان رها شده اند؛ اما هزاره ها کشته شده و سرزده شدند.

فعالان مدنی در پیوند به تخفیف جزای متهمان:

فیصله دادگاه استیناف ناعادلانه است

ناجیه نوری

دولت و محاکم افغانستان با سوء استفاده از صلاحیت های خود و بدون حضور خانواده و وکیل مدافع فرخنده، حکم ناعادلانه را صادر کرده است. شماری از فعالان مدنی با بیان این مطلب می گویند، اقدام محکمه استیناف ثابت کرد که حرف زور و فیصله ناعادلانه براساس فشارهای سیاسی و یا فساد صورت گرفته است.

دادگاه استیناف رویداد قتل فرخنده کیفر مرگ را از متهمان این رویداد برداشته و چهارتنی را که دادگاه نخستین به اعدام محکوم کرده بود، به بیست- بیست سال زندان محکوم کرد.

گفته شده که از میان هشت تن دیگر که از سوی دادگاه نخستین هر یک به شانزده سال زندان محکوم شده بودند، یک تن را به نام عمران که متولی زیارت شاه دو شمشیره است، برائت داده است.

گفته می شود که دادگاه استیناف روز چهارشنبه در یک نشست سری این فیصله را صادر کرده است.

اما این فیصله محکمه استیناف انتقادات تند نهادهای مدنی و مدافعان حقوق زنان را در پی داشته است.

عزیز رفیعی رییس جامعه مدنی می گوید، تغییر حکم فیصله ابتدایی در محکمه استیناف از اعدام به حبس تحت فشارهای سیاسی صورت گرفته است.

وی تاکید می کند که دولت و محاکم افغانستان با سوء استفاده از صلاحیت های خود و بدون حضور خانواده و وکیل مدافع متضرر چنین حکم ناعادلانه را صادر کرده است.

رفیعی گفت، این اقدام محکمه استیناف ثابت کرد که حرف زور و فیصله ناعادلانه براساس فشارهای سیاسی و یا فساد صورت گرفته است.

رییس جامعه مدنی، خواستار برگزاری محکمه دیگر برای رسیده گی به این قضیه شده افزود، ما دادخواهی های خود را برای تامین عدالت برای فرخنده ادامه خواهیم داد و اجازه نخواهیم داد که حق یک مظلوم مانند فرخنده تلف شود.

اما شهلا فرید حقوق دان و فعال حقوق زن، فشارهای سیاسی بر محکمه استیناف را رد کرده می گوید، افراد متهم به اعدام افراد سرشناس و صاحبان نفوذ نیستند که برای رهایی آن محکمه استیناف تحت فشار قرار گرفته باشد.

در مبارزه با افراط گرایی...

عبدالله هم چنان افزود که ادامه این مبارزه نیازمند همکاری های بیشتر ایالات متحده و متحدان بین المللی افغانستان است.

آقای مک کین در این دیدار وعده سپرد که کشورش نیروهای افغانستان را تنها نخواهد گذاشت و گفت که حامی حکومت وحدت ملی خواهند بود.

در این دیدار درباره پیشرفت های به دست آمده



دانشگاه کابل می گوید، زمانیکه قاضی حکم صادر می کند کسی نمی تواند وجدان قاضی را بخواند که براساس کدام معیار حکم را صادر کرده است.

وی تاکید کرد، اما این مساله مشخص است که متهمین محکوم به اعدام در قضیه قتل فرخنده افراد سرشناس و صاحب نفوذ نیستند که بالای محاکمه فشار بیاورند تا فیصله محکمه را به نفع خود تغییر دهند.

به گفته استاد فریور، در مرحله ابتدایی و استیناف حضو وکیل مدافع و صاحبان دعوی مطابق حکم قانون اساسی افغانستان لازم است، مگر اینکه محکمه تشخیص بدهد که حضور آنان لازم نیست.

استاد فریور افزود، پس حضور وکیل مدافع و خانواده متضرر حتمی بود و همین طور برگزاری محکمه علنی که در این خصوص باید مراجع مربوطه پاسخ دهند.

دو روز مانده به نوروز امسال مردان خشمگین فرخنده را با این ادعا که قرآن را سوزانده است، با مشت، لگد، چوب و سنگ کشتند و بعد جسدش را آتش زدند.

این ادعا بعداً از سوی کمیسیون ویژه حقیقت یاب در مورد قتل فرخنده، رد شد.

و اما پس از گذشت نزدیک به پنجاه روز از قتل فرخنده، حکم اعدام بر چهار مجرم این قضیه صادر گردید و هشت مجرم دیگر این قضیه را به شانزده سال حبس محکوم کرد.

محکمه ابتداییه شهر کابل در همین روز هجده متهم این رویداد را به دلیل نبود دلایل الزام برائت داده و حکم رهایی شان را صادر کرد.

او تاکید کرد که اعدام چهار نفر نمی تواند تامین کننده عدالت برای قضیه فرخنده باشد، زیرا اگر اعدام این چهار فرد خلاف قانون باشد و قاضی نتوانسته باشد به عدالت حکم کند، خون افراد بی گناه پامال شده است.

او می گوید، من به عنوان یک حقوق دان مخالف اعدام هستم، زیرا محاکم مشکلاتی زیادی دارد و اگر به خطا حکم کند، حیات یک انسان ختم خواهد شد.

به گفته این استاد دانشگاه، اگر محاکمه سه گانه افغانستان در حکم دقت نکند و به خطا به اعدام حکم کند، عدالت تامین نخواهد شد.

وی به این باور است که حکم اعدام یک محکمه عادلانه نیاز دارد و کسانی که به اعدام حکم می کنند باید دقت بیشتر داشته باشد نسبت به کسانی که حکم قصاص را صادر می کنند، چون که شرایط قصاص بسیار واضح و روشن در فقه حنفی بیان شده است.

بانو فرید به این باور است که باید برای تمامی متهمین متناسب به جرم که مرتکب شده اند جزای تعیین شود که تنها در این صورت عدالت تامین شده می تواند.

او با انتقاد از محکمه ابتداییه و استیناف می گوید، درحالی که برای مشخص شدن اینکه سنگ زدن، موتر رد کردن و یا سوزندن کدام یک سبب قتل فرخنده شد، نیاز به نظر طب عدلی بود که محکمه ابتداییه و استیناف به آن هیچ ارزشی قابل نشدند.

وی افزود، با وجود اینکه نظر طب عدلی در خصوص مشخص شدن قاتل واقعی اشداً ضرورت بود، محکمه ابتداییه بدون در نظر گرفتن آن فیصله خود را صادر کرد.

با این حال، موسی فریور استاد دانشکده حقوق

در حکومت وحدت ملی، مبارزه با فساد اداری، حکومت داری خوب، مبارزه با دهشت افگنی و راه های جلوگیری از نفوذ و گسترش داعش نیز گفت و گو شد.

رییس کمیته نیروهای مسلح مجلس سنای ایالات متحده در حالی به افغانستان آمده و از مبارزه مشترک با افراط گرایی سخن می زند که اکنون افزون بر گروه های دیگر تروریستی، گروه داعش نیز در

افغانستان حضور دارد.

با این که مقام های امنیتی بارها از حضور داعش به عنوان گروهی «افراط گرا» در افغانستان به عنوان یک شایعه یاد کرده بودند، اما چندی پیش معاون نخست ریاست اجرایی پرده از حضور این گروه در ولایت های جنوبی، به خصوص ننگرهار، برداشت.

پیش از این گزارش هایی از تبلیغات و فعالیت آزادانه این گروه در ولایت ننگرهار نیز به نشر رسیده بود.



اعترافات جالب بواتنگ درباره دربیلی که از مسی خورد

در جریان آن بازی مسی گل دوم بارسلونا را به شیوه‌ای تماشایی پس از دربیلی ظریف که بواتنگ را کاملاً از جریان بازی محو کرد و باعث سکندری خوردن او شد، با یک ضربه چپ از بالای سر مانوئل نویر به ثمر رساند. اتفاقی که برای بواتنگ رخ داد بهانه‌ای برای طنزپردازی بسیاری از رسانه‌ها شد. بواتنگ خود نیز حالا به آن اتفاق به چشم یک رخداد مضحک نگاه و اعتراف کرده است که تماشای صحنه به زمین خوردنش برای خود او هم خنده‌دار بوده است.

بواتنگ گفت: خودم هم وقتی دیدم که مسی با دربیلیش با من چه کاری انجام داد، خندیدم. مسی بهترین بازیکن دنیاست، اما اتفاقی که در آن بازی رخ داد نه مرا می‌کشد و نه هیچ تأثیری روی من می‌گذارد. از این دست اتفاقات در فوتبال رخ می‌دهد و احتمالش در بازی برابر فوتبالیست شماره یک دنیا بیشتر هم هست.



مدافع آلمانی تیم فوتبال بایرن مونیخ درباره دربیلی که از ستاره آرژانتینی بارسلونا در مرحله نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا خورد، اعتراف‌های جالبی کرد.

پس از گذشت دو ماه از بازی رفت تیم‌های بارسلونا و بایرن مونیخ در مرحله نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا که با پیروزی ۳ بر صفر کاتالان‌ها همراه بود، ژروم بواتنگ اعتراف کرد، اتفاقی که در آن بازی سوژه خنده بسیاری از تماشاگران شد، خود او را هم به خنده واداشته است.

یکی از نشریاتی که سکندری خوردن بواتنگ را پس از دربیلی خوردن از مسی سوژه طنزپردازی‌اش کرد، نشریه دلی میلی انگلیس بود که چند کاریکاتور و صحنه‌های مضحک مرتبط با آن اتفاق را منتشر کرد. بواتنگ اعتراف کرد که در میان آن تصاویر، یکی را بیشتر از همه دوست داشته است.

او گفت: بهترین تصویری که برای دست انداختن من درست شده بود، آن عکسی بود که در لحظه افتادنم یک تخته‌خواب کنارم قرار گرفته بود.

بارتومئو:

انریکه خواهان آردا توران است



رییس باشگاه بارسلونا اعلام کرد، سرمربی این تیم برای خرید هافبک آلتیکومادرید درخواست داده است.

جوزپ ماریا بارتومئو که یکی از نامزدهای ریاست باشگاه بارسلوناست، در سخنرانی تازه خود به شبکه کادناسر گفت که این تیم قصد دارد آردا توران، هافبک ترکیه‌ای آلتیکومادرید را به نوکمپ ببرد.

او در این زمینه گفت: انریکه از من خواست که آردا را بخریم. البته اولویت او الیکس ویدال بود که او را خریدیم. نفر بعدی آردا توران است. تیم ما به بازیکن تهاجمی مانند او نیاز دارد. خیلی زود باید با آردا قرارداد امضا کنیم تا او بتواند به تمرین‌های پیش فصل ما ملحق شود.

بارتومئو ادامه داد: پیش از این که بخواهیم قرارداد او را نهایی کنیم باید اطلاعات کافی در مورد این بازیکن کسب کنیم. با مدیر برنامه‌های او در ارتباط بودیم و به قراردادی که با آلتیکومادرید دارد احترام می‌گذاریم. نمی‌دانم که آردا می‌تواند تا ۱۰ روز آینده برای امضای قراردادش صبر کند یا نه. امیدوارم که این اتفاق رخ دهد تا بتوانیم به شکل رسمی با او قرارداد امضا کنیم و مبلغ خرید او را نیز به کمتر از ۳۵ میلیون یورو برسانیم.

کاستا:

مورینیو تنگ خود را می‌بیرسند و غرق آن نشده است



مهاجم اسپانیایی تیم فوتبال چلسی تأکید کرد که ژوزه مورینیو عاشق کارش است.

آردا توران که در سال ۲۰۱۱ در ازای ۱۲ میلیون یورو از گالاتاسرای به آلتیکومادرید پیوست با وجود اینکه تا ماه جون ۲۰۱۷ با روخی بلانکو قرارداد دارد، اما جدایی‌اش از تیم دوم شهر مادرید قطعی به نظر می‌رسد. گفته می‌شود تیم‌هایی همچون چلسی، آرسنال، منچستر سیتی و پاری سن ژرمن و البته دو غول فوتبال اسپانیا یعنی بارسلونا و رئال مادرید تمایل به جذب این بازیکن دارند.

دیه‌گو کاستا که خود تجربه بازی در کنار آردا توران در آلتیکومادرید را دارد، به روزنامه «بوگون» ترکیه گفت: بازی مجدد در کنار آردا می‌تواند فوق‌العاده باشد. توران در داخل زمین کار را برای هم‌تیمی‌هایش راحت‌تر می‌کند. من، آردا و فیلیپه لوتیز کنار هم فوق‌العاده بودیم. توران انسان

راز حضور جرارد

در امریکا فاش شد



اسطوره لیورپول، انگیزه اصلی خود برای انتقال به امریکا را فاش کرد.

استیون جرارد، اسطوره لیورپول ادعا کرد به خاطر تجربه یک مبارزه و فضای جدید، پیشنهادهای اروپایی را رده کرده و به لس‌آنجلس گلکسی پاسخ مثبت داده است.

این هافبک ۳۵ ساله که بین دو نیمه بازی اخیر تیمش به هواداران معرفی شد، سه‌شنبه در کنفرانس مطبوعاتی و تمرینات تیم شرکت می‌کند و ۱۷ جولای در سن‌خوزه، اولین بازی برای تیم جدیدش را انجام خواهد داد.

او درباره شرایط جدیدش گفت: فرصت بازی در اروپا را برای خودم از بین بردم چون می‌خواستم از منطقه امن خودم بیرون بیایم و دورازخانه شرایط جدیدی را تجربه کنم. مایل بودم در جایی بازی کنم که خانواده‌ام در آن آسایش داشته باشند. دوست دارم وقتی چند سال دیگر از فوتبال خداحافظی کردم، بابت درجا زدن و پشت‌سر گذاشتن تجربیات مناسب به خودم ببالم.

جرارد در ادامه از آمادگی‌اش حرف زد: برای بهبود اوضاع فیزیکی‌ام با نهایت توان تلاش می‌کنم. هنگامی که فصل شروع شود در اوج آمادگی خواهم بود. شکست را دوست ندارم و همیشه با نهایت توان برای پیروزی می‌جنگم. عضوی از تیم هستم، نه استیون جرارد پس در بازی، خودم را فراموش می‌کنم و برای باشگاه می‌جنگم.

فوق‌العاده‌ای است و بارها ما را برای خوردن غذا به خانه‌اش دعوت کرد. واقعاً کباب‌هایی را که او درست می‌کرد، دوست داشتم. گاهی اوقات هم می‌شد که کل اعضای تیم برای خوردن شام به خانه آردا می‌رفتند.

وی همچنین در تمجید از سرمربی پرتغالی آبی‌پوشان لندنی عنوان کرد: مورینیو خودش را کاملاً وقف چلسی کرده است. او شغل خود را می‌پرستد و در آن غرق شده است. در حال حاضر تیم در حال استراحت است، اما مطمئنم که ژوزه برای موفقیت هر چه بیشتر تیم برنامه‌ریزی خواهد کرد. او شرایط را برای بازیکنان خود آسان‌تر می‌کند.

کاستا در پایان به تمجید از سرمربی پیشین خود پرداخت و گفت: سیمئونه هنوز یک مربی جوان است و همیشه برای رسیدن به بهترین‌ها تلاش می‌کند. دیه‌گو نیز همواره در حال کمک به بازیکنان خود است و از حرفه‌اش لذت می‌برد. به عقیده من هم مورینیو و هم سیمئونه از موفقیت لذت می‌برند.

پوتین به اوباما پیشنهاد مذاکره بر اساس احترام و برابری داد



رییس جمهور روسیه در پیام تبریکی به همتای امریکایی خود به مناسبت روز استقلال این کشور، اوباما را به مذاکره بر اساس احترام متقابل و برابری فراخواند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه در پیام خود آورده است: روابط روسیه - امریکا برای حل بحران‌های جهان همچنان مهم است اگرچه دو کشور بر سر درگیری‌های اوکراین، امور دفاعی و دموکراسی اختلاف عقیده دارند.

رییس جمهور روسیه در پیام خود اشاره کرده است: به رغم اختلافات میان دو کشور روابط امریکا - روسیه همچنان فاکتور مهمی در ثبات و امنیت بین‌المللی است.

پوتین اطمینان داده است که روسیه و امریکا می‌توانند راه‌حل‌های مناسبی برای پیچیده‌ترین مسائل بین‌المللی پیدا کنند و با یکدیگر با تهدیدهای جهانی و چالش‌ها مبارزه کنند اگر روابطی بر اساس اصول برابری و احترام به منافع یکدیگر داشته باشند.

در این پیام به جزییات دیگر و تحریم‌های اعمال شده بر روسیه بر سر اوکراین اشاره نشده است.

لحن پیام امسال پوتین شبیه پیام تبریک وی در سال گذشته برای اوباما است.

تنش در روابط چین و ترکیه

بر سر مسلمانان اوغور

در پی پذیرش ۱۷۳ مهاجر اوغور از سوی ترکیه که از چین فرار کرده بودند، پکن انتقادهایی را متوجه آنکارا کرد و انتظار می‌رود روابط دو کشور بر سر این مساله بیش از پیش سرد شود.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، سخنگوی وزارت امور خارجه چین گفت: اوغورها به صورت غیرقانونی چین را ترک گفته و پکن مخالف هرگونه کمک و پذیرش یا حمایت از مهاجرت غیرقانونی است. ما معتقدیم که جامعه بین‌الملل باید برای مقابله و جلوگیری از چنین مهاجرت‌هایی احساس وظیفه کند.

گروهی ۱۷۳ نفره از اوغورهای مسلمان که اکثر آن زن و بچه هستند روز سه‌شنبه وارد استانبول شده و در کایسری مستقر شده‌اند؛ شهری در ترکیه که دارای بیشترین جمعیت اوغورهاست.

یک فعال تایلندی گفته است که این افراد پس از آزادی از اردوگاه‌های تایلند با یک پرواز محرمانه که دولت آنکارا آن را ترتیب داده بود به ترکیه منتقل شده‌اند.

ترکیه روابط قومی و زبانی با اوغورها دارد که اعضای اقلیت مسلمان در سین‌کیانگ در غرب چین هستند. این گروه هدف سرکوب فرهنگی و مذهبی و به حاشیه کشیده شدن اقتصادی توسط پکن قرار دارد. روابط میان ترکیه و چین در پی گزارش‌های رسانه‌ای ترکیه درباره ممنوعیت عبادت و روزه‌داری اوغورها در چین رو به سردی گذاشته است.

پکن جنگی تحت عنوان «مقابله با تروریسم» در سین‌کیانگ به راه انداخته که محل اصلی سکونت اوغورهاست.

این ۱۷۳ تن بخشی از ۲۵۰ اوغوری هستند که پس از فرار از چین به مدت یک سال در اردوگاه‌های تایلند نگهداری می‌شدند. معاون کنگره جهانی اوغور گفته که امیدوار است بقیه آوارگان اوغور نیز بتواند اجازه خروج از تایلند را کسب کنند.

پیامدهای خروج یونان از حوزه یورو



خروج یونان از یورو ممکن است پس از مدتی دولت را به کاهش شدید هزینه‌های خود مجبور کند، حتی بیش از میزان پیشنهادی وام‌دهندگان در مقطع کنونی، اما اگر یونان با رونق مواجه شود، خطری شدید انسجام اتحادیه اروپا را تهدید خواهد کرد.

به گزارش آسوشیتدپرس، در شرایطی که مذاکرات مربوط به دریافت کمک مالی یونان متوقف شده است و دستگاه‌های خودپرداز بانک‌ها نیز در این کشور پولی ندارند، مسئله خروج احتمالی یونان از منطقه یورو آن هم در آینده‌ی نزدیک، دیگر گمانه‌زنی به شمار نمی‌رود.

در این شرایط، پیامدهای این امر برای مردم یونان و واحد پول مشترک شانزده ساله اتحادیه اروپا، که نگین درخشان شش دهه تلاش برای اتحاد و نزدیکی کشورهای اروپایی است، چه خواهد بود؟

برای مردم یونان، درد و نابسامانی حاصل از خروج از منطقه یورو در ابتدا شدید خواهد بود ولی منطقه یورو احتمالاً خواهد توانست شوک اولیه را پشت سر بگذارد.

مشخص شدن هزینه‌ها و حتی فواید دراز مدت آن به گذشت چندین سال نیاز خواهد داشت.

برخی از کارشناسان به این مسئله اشاره می‌کنند که یکی از نتایج بسیار مخرب این امر این خواهد بود که یونان بعد از خروج از منطقه یورو شاهد بازگشت رشد و رونق اقتصادی باشد. این امر باعث خواهد شد این ادعا که یورو، کلید رسیدن به رونق اقتصادی است زیر سؤال برود.

مردم یونان قرار است روز یکشنبه درباره درخواست‌های سختگیرانه کشورهای وام‌دهنده در قبال ارایه وام‌های مورد نیاز آن در یک همه‌پرسی شرکت کنند. این همه‌پرسی می‌تواند به یک نقطه عطف تبدیل شود. رای منفی مردم در این همه‌پرسی به این معنی خواهد بود که یونان وامی دریافت نخواهد کرد و به همین سبب دولت این کشور مجبور خواهد شد به سبب اتمام ذخایر یورو در بانک‌ها، دست به انتشار واحد پول ملی بزند تا از این طریق حقوق کارکنان دولت را بپردازد و بانک‌ها را فعال نگه دارد.

اما زبان‌ها و حتی فواید احتمالی خروج یونان از منطقه یورو چه خواهد بود:

شکی نیست که خروج از یورو به معنی مصیبت قریب الوقوع برای یونان است. در چند سال اول بعد از این امر، نظام بانکی یونان نابود خواهد شد و این امر باعث خواهد شد تجارت عادی و معمول با این کشور غیرممکن شود. واحد پول جدید این کشور نیز به شدت با کاهش ارزش روبرو خواهد شد و این امر به این معنی است که دولت یونان قادر به بازپرداخت‌های وام‌های مربوط به نجات مالی این کشور نخواهد بود.

رشد اقتصادی این کشور به شدت سقوط خواهد کرد که به گفته برخی کارشناسان بین ده تا بیست درصد خواهد بود.

مشکل دیگر این است که از آنجایی که یونان واردکننده انرژی و دارو است، قیمت این اقلام احتمالاً دو برابر افزایش یابد. شرکت‌های یونانی که به شرکت‌های خارجی بدهی دارند قادر به پرداخت بدهی‌های خود نخواهند بود و بسیاری از آنها ورشکسته خواهند شد. در شرایطی که هیچ کشور دیگری حاضر به کمک کردن به یونان نیست و درآمدهای مالیاتی آن نیز به شدت کاهش یافته است، دولت آتن چاره‌ای جز کاهش بیشتر هزینه‌ها نخواهد داشت و این کاهش حتی از کاهش هزینه‌ها در قالب طرح نجات مالی اروپا شدیدتر خواهد بود. حتی ممکن است شرایط به گونه‌ای پیش رود که یونان به دریافت کمک‌های انسان‌دوستانه نیاز داشته باشد. تورم لحام گسیخته می‌شود و بانک مرکزی نیز برای نجات دادن بانک‌ها و تامین هزینه‌های دولت به چاپ کردن پول روی می‌آورد.

یک اقتصاددان آشنا با شرایط یونان می‌گوید درخواست‌های کشورهای طلبکار باعث شده است یونان بخش‌هایی از اقتصاد خود را اصلاح کند و به این ترتیب رقابت‌پذیری آن بیشتر شود. قراردادهای کار در شرایط فعلی در یونان انعطاف بیشتری دارد.

یونان از نظر شاخص سهولت تجارت بانک جهانی از رتبه ۱۰۸ در دوره قبل از بحران به رتبه ۶۲ رسیده است. رتبه کنونی این کشور در این شاخص، رتبه چندان خوبی نیست ولی در هر حال نشان دهنده رشد و پیشرفت است. اگر این کشور قواعد دست و پاگیر اداری و کاغذ بازی را بیش از این کاهش دهد، وضعیت آن از این هم بهتر خواهد شد.

ولی اگر یونان دیگر عضو منطقه یورو نباشد، انجام این امر دشوار خواهد شد زیرا که این کشور با فشار بیرونی سایر کشورهای عضو منطقه یورو برای نوسازی اقتصادی خود روبرو نیست.

است، نمی‌تواند پذیرای نابسامانی حاصل از خروج یونان از یورو باشد.

در درازمدت، خروج یونان از یورو این تردید را در میان سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند که اگر یونان می‌تواند، پس بقیه کشورها نیز می‌توانند. به همین سبب سرمایه‌گذاران بازار برای ارائه وام به کشورهای نظیر پرتغال یا ایتالیا، به دنبال دریافت بهره بیشتری خواهند بود. بحران بازار می‌تواند کشور دیگری را به سمت خروج از یورو سوق دهد.

گروهی از اقتصاددانان معتقدند خروج یونان می‌تواند زیان‌های پایداری برای یورو ایجاد کند.

همانگونه که تحلیلگران موسسه مالی استاندارد اند پورز اشاره می‌کنند خروج یونان «نادرست بودن نظریه ثبات و تداوم واحد پولی اروپا را نشان می‌دهد و این امر پایه‌های نظری مربوط به دو دهه خط مشی سیاسی و اقتصادی را زیر سؤال می‌برد».

بن می‌تواند ارشد موسسه اقتصادی آکسفورد می‌گوید بدترین ضربه‌ای که خروج یونان به منطقه یورو می‌زند این است که اقتصاد این کشور بعد از خروج از این منطقه، شاهد بازگشت رونق و رشد باشد. این امر چیزی است که از نظر دیگر اعضای ضعیف منطقه یورو پوشیده نخواهد ماند.

این دیدگاه در میان تحلیلگران به صورت عام وجود دارد که در صورت خروج یونان از منطقه یورو، این منطقه از بین نخواهد رفت. ولی نابسامانی ایجاد خواهد شد. بازار سهام سقوط خواهد کرد و هزینه‌های استقراض برای اعضای ضعیف‌تر منطقه یورو از قبیل پرتغال و ایتالیا برای مدتی افزایش خواهد یافت.

ولی این دیدگاه معتقد است که بانک مرکزی اروپا می‌تواند از عهده مدیریت این شرایط برآید. بانک مرکزی اروپا از طریق خریداری مرتب اوراق قرضه، حدود یک هزار و یکصد میلیارد یورو را وارد اقتصاد منطقه یورو کرده است و این آمادگی را دارد که در صورت نیاز اقدامات بیشتری را انجام دهد. از زمان آغاز بحران یونان در سال ۲۰۰۹ میلادی، دولت‌هایی که از یورو استفاده می‌کنند برنامه‌هایی را برای مقابله با بحران پیش‌بینی کرده‌اند. این روش‌ها عبارتست از نظارت بیشتر بر بخش بانکی و اختصاص پول برای نجات مالی کشورهای دچار مشکل.

برخی دیگر معتقدند پیامدهای خروج یونان از این واحد پولی در کوتاه مدت بسیار ترسناک است. جاکوب لو، وزیر خزانه داری آمریکا همواره هشدار داده است که اقتصاد جهانی که در شرایط کنونی به سختی در حال بهبود یافتن